

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ وَلَا كُصْنَعِهِ

ستایش خاص خدایی است که نیست برای قضا و حکمش جلوگیری و نه برای عطا و بخششش مانعی و نه مانند ساخته اش

صُنْعُ صَانِعٍ وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ وَأَتَقَنَ

ساخته هیچ سازنده ای و او است بخشنده وسعت ده که آفرید انواع گوناگون پدیده ها را و

بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَايِعُ وَلَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ

به حکمت خویش محکم ساخت مصنوعات را طلایه ها (ای عالم وجود) بر او مخفی نیست و امانتها در نزد او ضایع نشود

جَازَى كُلِّ صَانِعٍ وَرَائِشُ كُلِّ قَانِعٍ وَرَاحِمُ كُلِّ ضَارِعٍ وَمُنْزِلُ

پاداش دهنده عمل هر سازنده و سامان دهنده زندگی هر قناعت پیشه و مهربان نسبت به هر نالان ، فروفرستنده

الْمَنَافِعِ وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ

هر سود و بهره و آن کتاب جامع که فرستادش بوسیله نور آن نور درخشان و او است که دعاها را شنواست

وَلِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ وَلِلْجَابِرَةِ قَامِعٌ فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا

و گرفتاریها را برطرف کند و درجات را بالا برد و گردنکشان را ریشه کن سازد پس معبودی جز او نیست و

شَيْءٌ يَعْدِلُهُ وَلَا يَسْ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

چیزی با او برابری نکند و چیزی همانندش نیست و او شنوا است و بینا و دقیق و آگاه

وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَأَشْهَدُ بِالرَّبُّوبِيَّةِ لَكَ

و او بر هر چیز توانا است خدایا من بسوی تو اشتیاق دارم و به پروردگاری تو گواهی دهم

مُقِرًّا بِأَنَّكَ رَبِّي وَإِلَيْكَ مَرَدِّي ابْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ

اقرار دارم به اینکه تو پروردگار منی و بسوی تو است بازگشت من آغاز کردی وجود مرا به رحمت خود پیش از آنکه باشم

شَيْئًا مَذْكُورًا وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ أَسَكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ آمِنًا

چیز قابل ذکری و مرا از خاک آفریدی آنگاه در میان صلیبها جایم دادی و ایمنم ساختی

لِرَيْبِ الْمُنُونِ وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَالسِّنِينَ فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِمًا مِنْ

از حوادث زمانه و تغییرات روزگار و سالها و همچنان همواره از

صُلْبٍ إِلَى رَحِمٍ فِي تَقَادُمٍ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ الْحَالِيَةِ لَمْ

صلبی به رحمی کوچ کردم در ایام قدیم و گذشته و قرنهای پیشین

تُخْرِجَنِي لِرَأْفَتِكَ بِي وَلُطْفِكَ لِي وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أَيْمَتِهِ

و از روی مهر و راءفتی که به من داشتی و احسانت نسبت به من مرا به جهان نیاوردی در دوران حکومت پیشوایان

الْكُفْرِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَكَذَّبُوا زُجْرًا سَلَكِ كِنَاكَ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي

کفر آنان که پیمان تو را شکستند و فرستادگانت را تکذیب کردند ولی در زمانی مرا بدنیا آوردی که

سَبَقَلِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي لَهُ يُسِّرْتَنِي وَفِيهِ أَنْشَأْتَنِي وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكَ

پیش از آن در علمت گذشته بود از هدایتی که اسبابش را برایم مهیا فرمودی و در آن مرا نشو و نما دادی و پیش از

رُوِّفَتْ بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ وَسَوَابِغِ نِعْمِكَ فَاَبْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيَّ

این نیز به من مهر ورزیدی بوسیله رفتار نیکویت و نعمتهای شایانت که پدید آوردی خلقتم را از منی

يُمْنِي وَأَسْكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَيْنَ لَحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ لَمْ

ریخته شده و جایم دادی در سه پرده تاریکی (مشیمه و رحم و شکم) میان گوشت و خون و پوست

تُشْهِدُنِي خَلْقِي وَلَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلذِّي

و گواهم نساختی در خلقتم و واگذار نکردی به من چیزی از کار خودم را سپس بیرونم آوردی بدانچه

سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَامًا سَوِيًّا وَحَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا

در علمت گذشته بود از هدایتم بسوی دنیا خلقتی تمام و درست و در حال طفولیت و خردسالی

صَبِيًّا وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبْنًا مَرِيًّا وَعَطَفْتَ عَلَى قُلُوبِ

در گهواره محافظتم کردی و روزیم دادی از غذاها شیری گوارا و دل پرستاران را

الْحَوَاضِ وَكَفَلْتَنِي الْأُمّهَاتِ الرَّوَاحِمَ وَكَلَّاتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ

بر من مهربان کردی و عهده دار پرستاریم کردی مادران مهربان را و از آسیب جنیان

وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالنُّقْصَانِ فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ حَتَّى

نگهداریم کردی و از زیادی و نقصان سالمم داشتی پس برتری تو ای مهربان و ای بخشاینده تا

إِذَا اسْتَهَلَلْتُ نَاطِقًا بِالْكَلامِ مَا تَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْإِنْعَامِ وَرَبَّيْتَنِي

آنگاه که لب به سخن گشودم و تمام کردی بر من نعمتهای شایانت را و پرورشم دادی

زَايِدَانِي كُلِّ عَامٍ حَتَّى إِذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي وَاعْتَدَلَتْ مِرَّتِي أَوْجَبْتَ

هرساله زیادتر از سال پیش تا آنگاه که خلقتم کامل شد و تاب و توانم به حداعتدال رسید واجب کردی

عَلَىٰ مِحْتَكَبَانِ الْهَمَّتِي مَعْرِفَتِكَ وَرَوْعَتِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ

بر من حجت خود را بدین ترتیب که معرفت خود را به من الهام فرمودی و بوسیله عجایب حکمتت به هراسم انداختی

وَأَيَقُظِّنِي لِمَا ذَرَاتٍ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ

و بیدارم کردی بدانچه آفریدی در آسمان و زمینت از پدیده های آفرینشت

وَنَبِّهْتَنِي لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَأَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ

و آگاهم کردی به سپاسگزاری و ذکر خودت و اطاعت و عبادتت را بر من واجب کردی

وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ وَمَنْدَتَ

و آنچه رسولانت آورده بودند به من فهماندی و پذیرفتن موجبات خوشنودیت را برایم آسان کردی

عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَلُطْفِكَ ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى لَمْ

و در تمام اینها به یاری و لطف خود بر من منت نهادی سپس به اینکه مرا از بهترین خاکها آفریدی

تَرْضَى لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ

راضی نشدی ای معبود من که تنها از نعمتی برخوردار شوم و از دیگری منع کردم بلکه روزیم دادی

وَصُنُوفِ الرِّيشِ بِمِنِّكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ

از انواع (نعمتهای) زندگی و اقسام لوازم کامرانی و این بواسطه آن نعمت بخشی بزرگ و بزرگتر بود بر من و آن احسان دیرینه ات بود

إِلَىٰ حَتَّىٰ إِذَا أَتَمَمْتَ عَلَىٰ جَمِيعِ النِّعَمِ وَصَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ

نسبت به من تا اینکه تمام نعمتها را بر من کامل کردی و تمام رنجها و بلاها را از من دور ساختی

لَمْ يَمْنَعْكَ جَهْلِي وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَىٰ مَا يُقَرِّبُنِي

باز هم نادانی و دلیری من بر من جلوگیری نشد از اینکه راهنماییم کردی بدانچه مرا به تو نزدیک کند

إِلَيْكَ وَوَفَّقْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي وَإِنْ سَأَلْتُكَ

و موفقم داشتی بدانچه مرا به درگاهت مقرب سازد که اگر بخوانمت پاسخم دهی و اگر بخواهم از تو

أَعْطَيْتَنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي كُلُّ ذَلِكَ

به من عطا کنی و اگر اطاعتت کنم قدردانی کنی و اگر سپاسگزاریت کنم بر من بیفزایی و همه اینها

إِكْمَالٌ لِأَنْعَمِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانٌ إِلَيَّ فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِي

برای کامل ساختن نعمتهای تو است بر من و احسانی است که نسبت به من داری پس منزهی تو، منزّه از آن رو که آغازنده

مُعِيدٌ حَمِيدٌ مُجِيدٌ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَعَظُمَتْ الْأَوْكُ فَآءِىُّ نِعْمِكَ يَ ا

نعمتی و بازگرداننده و ستوده و بزرگواری بسی پاکیزه است نامهای تو و بزرگ است نعمتهای تو پس ای

إِلَهِي أَحْصِي عَدْدًا وَذَكَرًا أَمْ آئِي عَطَايَاكَ أَمْ قَوْمٌ بِهَا شَكَرًا وَهِيَ يَا

معبود من کدامیک از نعمتهایت را بشماره درآورده و یاد کنم یا برای کدامیک از عطاهایت به سپاسگزاری اقدام کنم در صورتی که آنها

رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُونَ أَمْ وَيَبْلُغُ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ ثُمَّ

ای پروردگار من بیش از آن است که حسابگران بتوانند آنها را بشمارند یا دانش حافظان بدانها رسد سپس ای خدا

مَا صَرَفَتْ وَدَرَأَتْ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضُّرِّ وَالضَّرَاءِ أَكْثَرَ مِمَّا ظَهَرَ لِي

آنچه را از سختی و گرفتاری از من دور کرده و باز داشتی بیشتر بوده از آنچه برایم آشکار شد

مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَاءِ وَأَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِّقَةِ إِيْمَانِي وَعَقْدِي

از تندرستی و خوشی و من گواهی دهم خدایا به حقیقت ایمان خودم و بدانچه تصمیمات یقینم بدان بسته است

عَزَمَاتٍ يَقِينِي وَخَالِصٍ صَرِيحٍ تَوْحِيدِي وَبَاطِنٍ مَكْنُونٍ ضَمِيرِي

و توحید خالص و بی شائبه خود و درون سرپوشیده نهادم

وَعَلَائِقُ مَجَارِي نُورِ بَصْرِي وَأَسَارِيرُ صَفْحَةِ جَبِينِي وَخُرْقِ

و رشته های دید نور چشمانم و خطوط صفحه پیشانیم

مَسَارِبِ نَفْسِي وَخَذَارِيفِ مَارِنِ عِرْنِينِي وَمَسَارِبِ سِمَاحِ سَمْعِي

و رخنه های راههای تنفسم و پرده های نرمه بینیم و راههای پرده گوشم

وَمَا ضَمَّتْ وَأَطْبَقَتْ عَلَيْهِ شَفْتَايَ وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي وَمَغْرَزِ

و آنچه بچسبید و روی هم قرار گیرد بر آن دو لبم و حرکتهای تلفظ زبانم و محل پیوست کام

حَنَكِ فَمِي وَفَكِّي وَمَنَابِتِ أَضْرَاسِي وَمَسَاغِ مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي

(فک بالای) دهان و آرواره ام و محل بیرون آمدن دندانهایم و محل چشیدن خوراک و آشامیدنیها

يَوْمَ حِمَالِهِ أَمَّ رَأْسِي وَبُلُوعِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُنُقِي وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَأْمُورُ

و رشته و عصب مغز سرم و لوله (حلق) متصل به رگهای گردنم و آنچه در برگرفته آن را

صَدْرِي وَحَمَائِلِ حَبْلِ وَتِنِي وَنِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي وَءِ فَلَاحِ حَوَاشِي

قفسه سینه ام و رشته های رگ قلبم و شاهرگ پرده دلم و پاره های گوشه و کنار

كَبْدِي وَمَا حَوْتُهُ شَرَّاسِيفُ اضْلَاعِي وَحِقَاقُ مَفَاصِلِي وَقَبْضُ

جگر و آنچه را در بردارد استخوانهای دنده هایم و سربندهای استخوانهایم و انقباض

عَوَامِلِي وَأَطْرَافِ أَنَامِلِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَشَعْرِي وَبَشْرِي

عضلات بدنم و اطراف سر انگشتانم و گوشتم و خونم و موی بدنم و بشره پوستم

وَعَصْبِي وَقَصْبِي وَعِظَامِي وَمُخِّي وَعُرُوقِي وَجَمِيعِ جَوَارِحِي وَمَا

و عصبم و ساقم و استخوانم و مغز و رگهایم و تمام اعضاء و جوارحم و آنچه بر اینها

انْتَسَجَ عَلَى ذَلِكَ أَيَّامَ رِضَاعِي وَمَا أَقْلَتِ الْأَرْضُ مِنِّي وَنَوْمِي

بافته شده از دوران شیرخوارگی و آنچه را زمین از من بر خود گرفته و خوابم

وَيَقْظَتِي وَسُكُونِي وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ

و بیداریم و آرمیدنم و حرکتهای رکوع و سجود من (گواهی دهم) که اگر تصمیم بگیرم

وَأَجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عُمَّرْتُهَا أَنْ أَوْدِي شُكْرَ

و بکوشم در طول قرون و اعصار بر فرض که چنین عمری بکنم و بخواهم شکر

وَاحِدٍ مِنْ أُمَّةٍ نَعِمْتُ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنْكَ الْمُوجِبِ عَلَيَّ بِهِ

یکی از نعمتهای تو را بجا آورم نخواهم توانست جز به لطف خود که آن خود واجب کند بر من

شُكْرُكَ أَبَدًا جَدِيدًا وَثَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا أَجَلَ وَلَوْ حَرَصْتُ أَنَا

سپاسگزاریت را دوباره از نو و موجب ستایشی تازه و ریشه دار گردد آری و اگر حریص باشم من

وَالْعَادُونَ مِنْ أَنَامِكَ أَعْنُ نُحْصِي مَدَىٰ إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَإِنْفِهِ مَا

و حسابگران از مخلوقت که بخواهیم اندازه نعمت بخشیهایی تو را از گذشته و آینده

حَصْرَنَاهُ عَدَدًا وَلَا أَحْصِينَاهُ أَمْدًا هَيْهَاتَ أَعْنِي ذَلِكَ وَأَنْتَ الْخَبْرُ فِي

به حساب درآوریم نتوانیم بشماره درآوریم و نه از نظر زمان و اندازه آنرا احصاء کنیم! هیهات! کجا چنین چیزی میسر است

كِتَابِكَ النَّاطِقِ وَالنَّبَأِ الصَّادِقِ وَإِنْ تَعُدُّوْا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا

و تو خود در کتاب گویا و خبر راست و درستت خبر داده ای که ((اگر بشمارید نعمت خدا را احصاء نتوانید کرد))

صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَإِنبَاءُوكَ وَبَلَغْتَ أَنْبِيَاءُوكَ وَرُسُلَكَ مَا أَنْزَلْتَ

خدایا کتاب تو و خبری که دادی راست است و رساندند پیامبران و رسولانت هرچه را بر ایشان از وحی خویش فر فرستادی

عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ وَشَرَعْتَ لَهُمْ وَبِهِمْ مِنْ دِينِكَ غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي

و آنچه را تشریح کردی برای آنها و بوسیله آنها از دین و آیین خود جز اینکه معبودا

أَشْهَدُ بِجَهْدِي وَجِدِّي وَمَبْلَغِ طَاعَتِي وَوُسْعِي وَأَعْقُولُ مُؤْمِنًا

من گواهی دهم به سعی و کوشش من و به اندازه رسائی طاعت و وسعم و از روی ایمان

مُوقِنًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونَ مَورُوثًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ

و یقین می گویم ستایش خدایی را سزااست که نگیرد فرزندی تا از او ارث برند و نیست برایش



شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ قِيَادٌ ۗ ۗ هُ فِيمَا ابْتَدَعَ وَلَا وِلِيٌّ مِّنَ الذُّلِّ فَيُرْفِدُهُ فِيمَا

شریکی در فرمانروایی تا با او ضدیت کنند در آنچه پدید آورد و نه نگهداری از خواری دارد تا کمکش کند در آنچه

صَنَعَ فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ لَوْ كَانَ فِيهِمَا إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَتَفَطَّرَتَا

بوجود آورد پس منزه باد منزه که اگر بود در آسمان و زمین خدایانی جز او هر دو تباه می شدند و از هم متلاشی می گشتند

سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ

منزه است خدای یگانه یکتای بی نیازی که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و نیست

لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَاءِهِ

برایش همتایی هیچکس ستایش خدای را است ستایشی که برابر ستایش فرشتگان مقرب او و پیامبران

الْمُرْسَلِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ

مرسلش باشد و درود خدا بر بهترین خلقش محمد خاتم پیامبران و آل

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَسَلِّمْ

پاک و پاکیزه و خالص او باد و سلام پس شروع فرمود آن حضرت در سؤال و اهتمام نمود در دعا و آب از دیده های

مبارکش جاری بود پس گفت :

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي خَدَايَا چنانچه

أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوِيكَ وَلَا تُشْقِنِي بِمَعْصِيَتِكَ

ترسان خودت کن که گویا می بینمت و به پرهیزکاری از خویش خوشبختم گردان و به واسطه نافرمانیت بدبختم مکن

وَخِرْلِي فِي قَضَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا

و در سرنوشت خود خیر برایم مقدر کن و مقدراتت را برایم مبارک گردان تا چنان نباشم که تعجیل آنچه را

أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِرَ مَا عَجَّلْتَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَالْيَقِينَ

تو پس انداخته ای بخواهم و نه تاخیر آنچه را تو پیش انداخته ای خدایا قرار ده بی نیازی در نفس من و یقین

فِي قَلْبِي وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَالنُّورَ فِي بَصْرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي

در دلم و اخلاص در کردارم و روشنی در دیده ام و بینایی در

دِينِي وَمَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصْرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي

دینم و مرا از اعضا و جوارحم بهره مند کن و گوش و چشم مرا وارث من گردان (که تا دم مرگ سلامت باشند)

وَاصْرُنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَأَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَاءَ رَبِّي وَأَقْرِبْ ذَلِكَ

و یاریم ده بر آنکس که به من ستم کرده و انتقام گیری مرا و آرزویم را درباره اش به من بنمایان

عَيْنِي اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي وَاسْتُرْ عَوْرَتِي وَاعْفِرْ لِي خَطِيئَتِي

و دیده ام را در این باره روشن کن خدایا محنتم را برطرف کن و زشتیهایم ببوشان و خطایم بیامرزد

وَإِخْسَاءَ شَيْطَانِي وَفُكَّ رِهَانِي وَاجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي

و شیطان و اهریمنم را از من بران و ذمه ام را از گرو برهان و قرار ده خدایا برای من درجه والا در

الْآخِرَةِ وَالْأُولَى اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً

آخرت و در دنیا خدایا حمد تو را است که مرا آفریدی و شنوا

بَصِيرًا وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا رَحِمَهُ بِي وَقَدْ

و بینا قرارم دادی و ستایش تو را است که مرا آفریدی و از روی مهری که به من داشتی خلقتم را نیکو آراستی در

كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا رَبِّ بِمَا بَرَاءَ تَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي رَبِّ بِمَا

صورتیکه تو از خلقت من بی نیاز بودی پروردگارا به آنطور که مرا پدیدآوردی و در خلقتم اعتدال بکار بردی پروردگارا به آنطور

أَنْشَأَ تَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفِي نَفْسِي

که بوجودم آوردی و صورتم را نیکو کردی پروردگارا به آنطور که به من احسان کردی و

عَافَيْتَنِي رَبِّ بِمَا كَلَّاتَنِي وَوَفَّقْتَنِي رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي

عافیتم دادی پروردگارا آنچنانکه مرا محافظت کردی و موفقم داشتی پروردگارا آنچنانکه بر من انعام کرده و هدایتم فرمودی

رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي

پروردگارا چنانچه مرا مورد احسان قرار داده و از هر خیری به من عطا کردی پروردگارا آنچنانکه مرا خوراندی

وَسَقَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَغْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَعَزَّزْتَنِي

و نوشاندی پروردگارا آنچنانکه بی نیازم کردی و سرمایه ام دادی پروردگارا آنچنانکه کمکم دادی و عزتم بخشیدی

رَبِّ بِمَا الْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ

پروردگارا آنچنانکه مرا از خلعت باصفایت پوشاندی و از مصنوعات به حد

الكَافِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَنِّي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ

کافی در اختیارم گذاردی (چنانکه این همه انعام به من کردی) درود فرست بر محمد و آل محمد و کمکم ده بر پیش آمدهای ناگوار روزگار

وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْآيَامِ وَنَجِّي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ

و کشمکشهای شبها و روزها و از هراسهای دنیا و اندوههای

الْآخِرَةِ مَا أَخَافُ

آخرت نجاتم ده و از شر آنچه ستمگران در زمین انجام دهند مرا کفایت فرما خدایا از آنچه می ترسم

فَاكْفِنِي وَمَا أَحْذَرُ فَقِنِي وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَاحْرُسْنِي وَفِي سَفَرِي

کفایتم کن و از آنچه برحذر م ، نگاهم دار و خودم و دینم را

فَاحْفَظْنِي وَفِي أَهْلِي وَمَالِي فَاخْلُفْنِي وَفِي مَارَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي

حفظ کن و در سفر محافظتم کن و در خانواده و مالم جانشین من باش و در آنچه روزیم کرده ای برکت ده و مرا

وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ

در پیش خودم خوار کن و در چشم مردم بزرگم کن و از شر جن

وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي وَبِدُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي وَبِسِرِّي فَلَا تُخْزِنِي

و انس بسلامتم بدار و به گناهان رسوایم مکن و به اندیشه های باطنم سرافکنده ام مکن

وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلْنِي وَنِعْمَتِكَ فَلَا تَسْلُبْنِي وَإِلَى غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي

و به کردارم دچارم مساز و نعمتهایت را از من مگیر و بجز خودت به دیگری واگذارم مکن

إِلَهِي إِلَى مَنْ تَكِلْنِي إِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعُنِي أَمْ إِلَى بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمُنِي أَمْ

خدایا به که واگذارم می کنی آیا به خویشاوندی که از من ببرد یا بیگانه ای که مرا از خود دور کند یا به کسانی که

إِلَى الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِيكَ أَمْرِي أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي

خوارم شمرند و تویی پروردگار من و زمامدار کار من بسوی تو شکایت آرم از غربت خود

وَبُعْدَ دَارِي وَهَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَكَتَهُ أَمْرِي إِلَهِي فَلَا تُحِلِّلْ عَلَيَّ

و دوری خانه ام و خواریم نزد کسی که زمامدار کار من کردی خدایا پس خشم خود را بر من مبار

غَضَبِكَ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أُبَالِي سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنْ

و اگر بر من خشم نکرده باشی باکی ندارم - منزهی تو - جز اینکه در عین حال

عَافِيَتِكَ أَوْسَعُ لِي فَاسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ

عافیت تو وسیعتر است برای من پس از تو خواهم پروردگارا به نور ذاتت که روشن شد بدان

الْأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ وَكُشِفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ وَصَلَّحَ بِهِ أَمْرَ الْأَوَّلِينَ

زمین و آسمانها و برطرف شد بدان تاریکیها و اصلاح شد بدان کار اولین

وَالْآخِرِينَ أَنْ لَا تُمَيِّنَنِي عَلَى غَضَبِكَ وَلَا تُنْزِلْ بِي سَخَطَكَ لَكَ

و آخرین که مرا بر حال غضب خویش نمی رانی و خشمت را بر من نازل مفرمایی

الْعُتْبَى لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْبَلَدِ

مؤاخذه و بازخواست حق تو است تا گاهی که پیش از آن راضی شوی معبودی جز تو نیست که پروردگار شهر

الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَحَلَّتْهُ الْبَرَكَةُ وَجَعَلَتْهُ

محترم و مشعر الحرام و خانه کعبه ای آن خانه ای که برکت را بدان نازل کردی و آنرا برای

لِلنَّاسِ أَمْنًا يَأْمَنُ عَفَا عَن عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِجَلْمِهِ يَا مَنْ أَسْبَغَ النِّعْمَاءَ

مردمان خانه امنی قرار دادی ای کسی که از گناهان بزرگ به بردباری خود درگذری ای که نعمتها را

بِفَضْلِهِ يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ يَا عِدَّتِي فِي شِدَّتِي يَا

به فضل خود فراوان گردانی ای که عطایای شایان را به کرم خود بدهی ای ذخیره ام در سختی ای

صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي يَا وَليِّي فِي نِعْمَتِي يَا

رفیق و همدمم در تنهایی ای فریادرس من در گرفتاری ای ولی من در نعمتم ای

إِلَهِي وَالْهَآبَاءِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبِّ

معبود من و معبود پدرانم ابراهیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و پروردگار

جَبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَرَبِّ مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَالْهَآءِ

جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و پروردگار محمد خاتم پیامبران و آل

الْمُنْتَجِبِينَ وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ وَمُنْزِلَ

برگزیده اش و فروفرستنده تورات و انجیل و زبور و قرآن و نازل کننده

كَهَيْعَصٍّ وَطِهٍ وَيَسٍّ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِنِي

کهیعص و طه و یس و قرآن حکمت آموز)) تویی پناه من هنگامی که درمانده ام کنند

الْمَدَاهِبُ فِي سَعَتِهَا وَتَضِيقُ بِي الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ

راهها با همه وسعتی که دارند و زمین بر من تنگ گیرد با همه پهناوریش و اگر نبود رحمت تو

لُكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَأَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي وَلَوْلَا سِتْرُكَ إِيَّايَ لُكُنْتُ

بطور حتم من هلاک شده بودم و تویی نادیده گیر لغزشم و اگر پرده پوشی تو نبود مسلما

مِنَ الْمَفْضُوحِينَ وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي وَلَوْلَا نَصْرُكَ

من از رسواشدگان بودم و تویی که به یاری خود مرا بر دشمنانم یاری دهی و اگر نبود یاری تو

إِيَّايَ لُكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُومِ وَالرِّفْعَةِ

من مغلوب شده بودم ای که مخصوص کرده خود را به بلندی و برتری

فَأَوْلِيَاءُهُ بَعِزَّهُ يَعْتَرُونَ يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَدْلَةِ

و دوستانش بوسیله عزت او عزت یابند ای که پادشاهان در برابرش طوق خواری

عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا

به گردن گذارند و آنها از سَطَوَاتَشِ ترسانند می داند حرکت (یا خیانت) چشمها و آنچه را سینه ها

تُخْفِي الصُّدُورُ وَغَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمِنَةُ وَالذُّهُورُ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ

پنهان کنند و حوادثی که در کمون زمانها و روزگاراها است ای که نداند

كَيْفَ هُوَ الْهُوَيَّ امَّنْ لَا يَعْلَمُ هُوَ الْهُوَيَّ امَّنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَيَّ ا

چگونه ای او را جز خود او ای که نداند چیست او جز او ای که نداند او را جز خود او

مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ يَا مَنْ لَهُ الْكَرَمُ

ای که زمین را بر آب فرو بردی و هوا را به آسمان بستی ای که گرامی ترین

## الْأَسْمَاءِ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا يَا مُقَيِّضَ الرِّكْبِ

نامها از او است ای دارنده احسانی که هرگز قطع نشود ای گمارنده کاروان برای نجات

لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ

یوسف در آن جای بی آب و علف و بیرون آورنده اش از چاه و رساننده اش به پادشاهی پس از بندگی

مَلِكًا يَا رَادَّةَ عَلِيٍّ يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ أَيَّضَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ

ای که او را برگرداندی به یعقوب پس از آنکه دیدگانش از اندوه سفید شده بود و آکنده از غم بود

كَظِيمٍ يَا كَاشِفَ الضَّرِّ وَالْبَلْوَى عَنِ أَيُّوبَ وَمُمْسِكَ يَدَيِ إِبْرَاهِيمَ

ای برطرف کننده سختی و گرفتاری از ایوب و ای نگهدارنده دستهای ابراهیم

عَنْ نَبِيٍّ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَفَنَاءِ عُمُرِهِ يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا

از ذبح پسرش پس از سن پیری و بسرآمدن عمرش ای که دعای زکریا را به اجابت رساندی

فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَىٰ وَلَمْ يُدْعِهِ فَرْدًا وَوَحِيدًا يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنَ

و یحیی را به او بخشیدی و او را تنها و بی کس وامگذاردی ای که بیرون آورد یونس را از

بَطْنِ الْحُوتِ يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فَانجَاهَهُمْ وَجَعَلَ

شکم ماهی ای که شکافت دریا را برای بنی اسرائیل و (از فرعونیان) نجاتشان داد

فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُعْرِقِينَ يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ

و فرعون و لشکریانش را غرق کرد ای که فرستاد بادها را نوید دهندگانی پیشاپیش



يَدَى رَحْمَتِهِ يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ يَا مَنْ

آمدن رحمتش ای که شتاب نکند بر (عذاب) نافرمانان از خلق خود ای که

اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُودِ وَقَدْ غَدَوَانِي نِعْمَتَيْهَا كُلُونَ

نجات بخشید ساحران (فرعون) را پس از سالها انکار (و کفر) و چنان بودند که متعمم به نعمتهای خدا بودند

رِزْقَهُ وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ وَقَدْ حَادُّوهُ وَنَادُّوهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ

که روزیش را می خوردند ولی پرستش دیگری را می کردند و با خدا دشمنی و ضدیت داشتند و رسولانش را تکذیب می کردند ای خدا

يَا بَدِيُّ يَا بَدِيعُ لَا نَدِيكَ يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ يَا

ای خدا ای آغازنده ای پدیدآورنده ای که همتا نداری ای جاویدانی که زوال نداری ای زنده در آنگاه که زنده ای نبود

مُحْيِي الْمَوْتِي يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ يَا مَنْ قَلَّ لَهُ

ای زنده کن مردگان ای که مراقبت داری بر هرکس بدانچه انجام داده ای که سپاسگزاری من برایش اندک است

شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَعَظُمْتَ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي وَرَأَى عَلَيَّ

ولی محرومم نکند و خطایم بزرگ است ولی رسوایم نکند و مرا بر

الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِغَرِي يَا مَنْ رَزَقَنِي

نافرمانی خویش بیند ولی پرده ام ندرد ای که مرا در کودکی محافظت کردی ای که در بزرگی روزیم دادی

فِي كِبَرِي يَا مَنْ أَيَادِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصَى وَنِعْمَتُهُ لَا تُحَاسَبُ يَا مَنْ

ای که اندازه مرحمت هایی که به من کردی بشماره نیاید و نعمتهایش را تلافی ممکن نباشد ای که

عَارِضِنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ وَعَارِضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ يَا مَنْ

روبرو شد با من به نیکی و احسان ولی من با او به بدی و گناه روبرو شدم ای که

هَدَانِي لِلْإِيْمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِمْتِنَانِ يَا مَنْ دَعَوْتُهُ

مرا به ایمان هدایت کرد پیش از آنکه بشناسم طریقه سپاسگزاری نعمتش را ای که خواندمش

مَرِيضًا فَشَفَانِي وَعُرْيَانًا فَكَسَانِي وَجَائِعًا فَاشْبَعَنِي وَعَطْشَانَ

در حال بیماری و او شفایم داد و در برهنگی و او مرا پوشاند و در گرسنگی و او سیرم کرد و در تشنگی

فَارَوَانِي وَذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي وَغَائِبًا

و او سیرایم کرد و در خواری و او عزتم بخشید و در نادانی و او معرفتم بخشید و در تنهایی و او فزونی جمعیت به من داد

فَرَدَّنِي وَمُقِلًّا فَأَغْنَانِي وَمُتَّصِرًا فَفَصَّرَنِي وَغَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي

و در دوری از وطن و او بازم گرداند و در نداری و او دارایم کرد و در کمک خواهی و او یاریم داد و در ثروتمندی و او از من سلب نفرمود

وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَأَبْتَدَأَنِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ يَا مَنْ

و (هنگامی که) از همه این خواسته ها دم بستم تو آغاز کردی پس از آن تو است حمد و سپاس ای که

أَقَالَ عَثْرَتِي وَنَفْسَ كُرْبَتِي وَأَجَابَ دَعْوَتِي وَسَتَرَ عَوْرَتِي وَغَفَرَ

لغزشم را نادیده گرفت و گرفتگی را از من دور کرد و دعایم را اجابت فرمود و عیبم را پوشاند و گناهانم را آمرزید

ذُنُوبِي وَبَلَّغَنِي طَلْبَتِي وَنَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي وَإِنْ أَعْدَدْتَ نَعْمَكَ

و به خواسته ام رسانید و بر دشمنم یاری داد و اگر بخواهم نعمتها

وَمِنَّا وَكَرِيمٍ مِّنْكَ لَا أَحْصِيهَا يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ أَنْتَ

و عطاها و مراحم بزرگ تو را بشمارم نتوانم ای مولای من این تویی که منت نهادی و این تویی

الَّذِي أَنْعَمْتَ أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَجَمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي

که نعمت دادی این تویی که احسان فرمودی این تویی که نیکی کردی این تویی که فزونی

أَفْضَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكَمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ أَنْتَ

بخشیدی این تویی که کامل کردی این تویی که روزی دادی این تویی که توفیق دادی این تویی

الَّذِي أَعْطَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَغْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَوْيْتَ

که عطا کردی این تویی که بی نیاز کردی این تویی که ثروت بخشیدی این تویی که ماعوی دادی این

أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ أَنْتَ الَّذِي

تویی که کفایت کردی این تویی که هدایت کردی این تویی که نگهداشتی این تویی که

سَرَّتْ أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ أَنْتَ الَّذِي أَقَلَّتْ أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ أَنْتَ

پوشاندی این تویی که آمرزیدی این تویی که نادیده گرفتی این تویی که قدرت و چیرگی دادی این تویی

الَّذِي أَعَزَّزْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتَ أَنْتَ الَّذِي عَضَدْتَ أَنْتَ الَّذِي

که عزت بخشیدی این تویی که کمک کردی این تویی که پشتیبانی کردی این تویی که

أَيَّدْتَ أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ أَنْتَ

تاءید کردی این تویی که یاری کردی این تویی که شفا دادی این تویی که عافیت دادی این تویی

الَّذِي أَكْرَمْتَ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا وَلَكَ الشُّكْرُ

که اکرام کردی بزرگی و برتری از تو است و ستایش همیشه مخصوص تو است و سپاسگزاری دائمی و جاوید

وَاصْبِرْ أَبَدًا ثُمَّ يَا إِلَهِي الْمَعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي يَا إِلَهِي

از آن تو است و اما من ای معبودم کسی هستم که به گناهانم اعتراف دارم پس آنها را ببامرز و این منم که

أَسَأْتُ يَا إِلَهِي أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ يَا إِلَهِي هَمَمْتُ يَا إِلَهِي جَهَلْتُ يَا إِلَهِي

بد کردم این منم که خطا کردم این منم که (به بدی) همت گماشتم این منم که نادانی کردم این منم که

غَفَلْتُ يَا إِلَهِي سَهَوْتُ يَا إِلَهِي اعْتَمَدْتُ يَا إِلَهِي تَعَمَّدْتُ يَا إِلَهِي

غفلت ورزیدم این منم که فراموش کردم این منم که (به غیر یا به خود) اعتماد کردم این منم

الَّذِي وَعَدْتُ يَا إِلَهِي وَأَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ يَا إِلَهِي نَكَثْتُ يَا إِلَهِي أَقْرَرْتُ يَا إِلَهِي

که (به کاربرد) تعمد کردم این منم که وعده دادم و این منم که خلف وعده کردم این منم که پیمان شکنی کردم این منم که به بدی اقرار کردم

الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ يَا إِلَهِي وَعِنْدِي يَا إِلَهِي وَابْوُءُ بِذُنُوبِي يَا إِلَهِي فَاعْفِرْهَا لِي يَا إِلَهِي

این منم که به نعمت تو بر خود و در پیش خود اعتراف دارم و با گناهانم بسویت بازگشته ام پس آنها را ببامرز ای

مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَنِيُّ عَنِ طَاعَتِهِمْ وَالْمَوْفِقُ مَنْ

که زیانش نرساند گناهان بندگان و از اطاعت ایشان بی نیازی و تو آنی که هرکس از بندگان

عَمَلٍ صَالِحٍ مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي

کردار شایسته ای انجام دهد به رحمت خویش توفیقش دهی پس تو را است ستایش ای معبود و آقای من

إلهي أمرتني فعصيتك ونهيتني فارتكبتُ نهيك فأصبتُ لآذا

خدایا به من دستور دادی و من نافرمانی کردم و نهی فرمودی ولی من نهی تو را مرتکب شدم و اکنون به حالی افتاده ام که

برآءِ ولی فاعتذرُ ولاذاقوه فانتصرُ فبأءِی شیء استقبلک یا

نه وسیله تبرئه ای دارم که پوزش خواهم و نه نیرویی دارم که بدان یاری گیرم پس به چه وسیله با تو روبرو شوم

مولای اِلسَمعی اِلمَبصری اِلمِلسانی اِلمِیدی اِلمِبرجلی اِلسی

ای مولای من آیا به گوشم یا به چشمم یا به زبانم یا به دستم یا به پایم آیا

كُلها نَعَمَتٌ عِنْدی وَبِكُلها عَصِيَتٌ يَا مَوْلای فَلَکَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ

همه اینها نعمتهای تو نیست که در پیش من بود و با همه آنها تو را معصیت کردم ای مولای من پس تو حجت و راه مؤاخذة

عَلی یا مَنْ سَتَرَنی مِنَ الْاَباءِ وَالْاُمَّهاتِ اَنْ یَزْجُرُونی وَمَنْ

بر من داری ای که مرا پوشاندی از پدران و مادران که مرا از نزد خود برانند و از

العشائرِ وَالْاِخوانِ اَنْ یُعیرُونی وَمِنْ السَّلَاطینِ اَنْ یُعاقِبُونی وَلو

فامیل و برادران که مرا سرزنش کنند و از سلاطین و حکومتها که مرا شکنجه کنند و اگر

اطَّلَعُوا یا مَوْلای عَلی ما اطَّلَعْتَ عَلَیهِ مِنی اِذا ما اَنْظَرُونی

آنها مطلع بودند ای مولای من بر آنچه تو بر آن مطلعی از کار من در آن هنگام مهلتم نمی دادند

وَلَرَفُضُونی وَقَطَعُونی فها انا ذایا الهی بَینَ یَدَیکَ یا سَیدی

و از خود دورم می کردند و از من می بریدند و اینک خدایا این منم که در پیشگاهت ایستاده ای آقای من

خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ حَقِيرٌ لَا ذُوبَرَ آئُهُ فَاعْتَدِرْ وَلَا ذُوقُوهُ فَانْتَصِرْ

با حال خضوع و خواری و درماندگی و کوچکی نه وسیله تبرئه جویی دارم که پوزش طلبم و نه نیرویی که یاری جویم

وَلَا حُجَّةٍ فَاحْتَجِّ بِهَا وَلَا قَائِلٌ لِمَ اجْتَرَحَ وَلَمْ اَعْمَلْ سُوءًا اَوْ مَا عَسَى

و نه حجت و برهانی که بدان چنگ زنم و نه می توانم بگویم که گناه نکرده ام و کجا می تواند انکار - فرضا که انکار کنم

الْحُجُودَ وَلَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعُنِي كَيْفَ وَاِنِّي ذَلِكُ وَجَوَارِحِي

ای مولای من - سودم بخشد! چگونه؟ و کجا؟ با اینکه تمام اعضای من

كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدَّ عَمِلْتُ وَعَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرِ ذِي شَكٍّ اِنَّكَ

گواهند بر من به آنچه انجام داده و به یقین می دانم و هیچگونه شک و تردیدی ندارم که تو از کارهای بزرگ از من

سَأَلْتَنِي مِنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ وَاِنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ

پرسش خواهی کرد و تویی آن داور عادل که ستم نکند و همان عدالتت

وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي فَاِن تَعَذَّبْنِي يَا اِلَهِي

مرا هلاک کند و از تمام عدالت تو می گریزم اگر عذابم کنی خدایا

فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ وَاِن تَعَفُّ عَنِّي فَجِلْمِكَ وَجُودِكَ

بواسطه گناهان من است پس از آنکه حجت بر من داری و اگر از من درگذری پس به بردباری و بخشندگی و

وَكَرَمِكَ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سَبِّحْ اِنَّكَ اِنْسِي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ لَا اِلَهَ اِلَّا

بزرگواری تو است معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از ستمکارانم معبودی جز تو

أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

نیست منزهی تو و من از آمرزش خواهانم معبودی جز تو نیست منزهی تو

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُؤَحِّدِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ

و من از یگانه پرستانم معبودی نیست جز تو منزهی تو و من از

الْمُخَائِفِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا

ترسناکام معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از هراسناکام معبودی جز تو نیست

أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي

منزهی تو و من از امیدوارانم معبودی نیست جز تو منزهی تو و

كُنْتُ مِنَ الرَّاعِبِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلَلِينَ لَا

من از مشتاقانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تهلیل (لا اله الا الله) گوینم

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُنْأَلِّينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از خواهندگانم معبودی جز تو نیست منزهی تو

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ

و من از تسبیح گوینم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تکبیر

الْمُكَبِّرِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ أَبِي الْأُولِينَ أَللَّهُمَّ

(الله اکبر) گوینم معبودی نیست جز تو منزهی تو پروردگار من و پروردگار پدران پیشین من خدایا

هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُجَدِّدًا وَاخْلَاصِي لِذِكْرِكَ مُوَحِّدًا وَاقْرَارِي

این است ستایش من بر تو در مقام تمجیدت و این است اخلاص من بذکر در مقام یکتاپرستیت و اقرار من

بِالْأَيْتِ مُعَدِّدًا وَإِنْ كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي لَمْ أَحْصِهَا الْكَثْرَتِهَا وَسُبُوغِهَا

به نعمتهایت در مقام شماره آنها گرچه من اقرار دارم که آنها را نتوانم بشماره درآورم از بسیاری آنها و فراوانی

و تَظَاهِرِهَا وَتَقَادُمِهَا إِلَى حَادِثٍ مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ

و آشکاری آنها و پیشی جستن آنها از زمان پیدایش من که همواره در آن عهد مرا بوسیله آن نعمتها یادآوری می کردی

خَلَقْتَنِي وَبَرَائَتِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْإِغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ وَكَشْفِ

از آن ساعت که مرا آفریدی و خلق کردی از همان ابتدای عمر که از نداری و فقر مرا به توانگری درآوردی

الضَّرِّ وَتَسْبِيبِ الْيُسْرِ وَدَفْعِ الْعُسْرِ وَتَفْرِيجِ الْكَرْبِ وَالْعَافِيَةِ فِي

و گرفتاریم برطرف کردی و اسباب آسایش مرا فراهم ساختی و سختی را دفع نموده و اندوه را زدودی و تنم را تندرست و

الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ وَلَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعُ

دینم را بسلامت داشتی و اگر یاریم دهند به اندازه ای که نعمتت را ذکر کنم تمام

الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوْلِينَ وَالْآخِرِينَ مَا قَدَّرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ

جهانیان از اولین و آخرین نه من قدرت ذکرش را دارم نه آنها منزهی تو

تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ لَا تُحْصِي الْأَوْكَ وَلَا

و برتری از اینکه پروردگاری هستی کریم و بزرگ و مهربان که مهرورزی هایت به شماره درنیاید



يُبَلِّغُ شَاؤُكَ وَلَا تُكَافِي نِعْمَاؤُكَ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و ستایشت به آخر نرسد و نعمتهایت را تلافی نتوان کرد درود فرست بر محمد و آل محمد

وَأْتِمِّمْ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ وَأَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ

و کامل گردان بر ما نعمتهایت را و بوسیله اطاعت خویش سعادتمندان گردان منزهی تو معبودی جز تو نیست خدایا

إِنَّكَ تَجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَتَكْشِفُ السُّوءَ وَتُغِيثُ الْمَكْرُوبَ وَتَشْفِي

تویی که اجابت کنی دعای درمانده را و برطرف کنی بدی را و فریادرسی کنی از گرفتار و شفا دهی

السَّقِيمَ وَتُغْنِي الْفَقِيرَ وَتَجْبُرُ الْكَاسِيرَ وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَتُعِينُ الْكَبِيرَ

به بیمار و بی نیاز کنی فقیر را و مرمت کنی شکستگی را و رحم کنی به کودک خردسال و یاری دهی به پیر کهنسال

وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ يَا مُطَلِقَ

و جز تو پشتیبانی نیست و نه فوق (توانایی) تو توانایی و تویی والای بزرگ ای

الْمَكْبَلِ الْأَسِيرِ يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ

رهاکننده اسیر در کُند و زنجیر ای روزی دهنده کودک خردسال ای پناه شخص ترسانی

الْمُسْتَجِيرِ يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

که پناه جوید ای که شریک و وزیر برای او نیست درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَأَعْطَنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَأَنْلَتَ أَحَدًا مِنْ

محمد و عطا کن به من در این شام بهترین چیزی را که عطا کردی و دادی به یکی از

عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تُوَلِّيهَا وَالْآءِ تَجِدُّدُهُ أَوْ بَيْتِهِ تَصْرِفُهُ أَوْ كُرْبِهِ

بندگان آن نعمتی باشد که می بخشی و یا احسانهایی که تازه کنی و بلاهایی که می گردانی و غم و اندوهی که

تکشفها و دَعْوَهُ تَسْمَعُهَا وَحَسَنَهُ تَقْبَلُهَا وَسَيِّئَهُ تَتَّعَمُّدُهَا إِنَّكَ

برطرف کنی و دعایی که اجابت کنی و کار نیکی که بپذیری و گناهایی که بپوشانی که برستی

لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَبِيرٌ وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ

تو بهر چه خواهی دقیق و آگاهی و بر هر چیز توانایی خدایا تو نزدیکترین کسی هستی که

دُعَى وَأَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ وَكَرُمٌ مَنْ عَفَى وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى وَأَسْمَعُ

خواندند و از هر کس زودتر اجابت کنی و در گذشت از هر کس بزرگواری و در عطابخشی عطایت از همه وسیعتر

مَنْ سُئِلَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ

و در اجابت درخواست از همه شنواتری ای بخشاینده دنیا و آخرت و مهربان آن دو برستی کسی که مانند تو از او درخواست شود

وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ دَعْوَتِكَ فَاجْتَبَنِي وَسَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي وَرَغِبْتُ

نیست و جز تو آرزو شده ای نیست خواندمت و تو اجابت کردی و درخواست کردم و تو عطا کردی و به درگاه تو میل کردم

إِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي وَوَقَّعْتُ بِكَ فَتَجَبَّتَنِي وَفَزَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي اللَّهُمَّ

و تو مرا مورد مهر خویش قرار دادی و به تو اعتماد کردم و تو نجاتم دادی و به درگاه تو نالیدم و تو کفایتیم کردی خدایا

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ

درود فرست بر محمد بنده و رسول و پیامبرت و بر آل پاک

الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاتِكَ وَهِنْدُنَا عَطَائِكَ وَآكْتُبْنَا لَكَ

و پاکیزه اش همگی و نعمتهای خود را بر ما کامل گردان و عطایت را بر ما گوارا کن و نام ما را در زمره

شاکرین و لایلتک ذاکرین امین امین رب الع المین الهم می امن

سیاسگزارانت بنویس و هم جزء یادکنندگان نعمتهایت امین امین ای پروردگار جهانیان خدایا ای که

مَلَكٌ فَقَدَرُ وَقَدَرُ فَقَهْرٌ وَعُصِي فَسْتَرَّ وَاسْتُغْفِرَ فَغَفَرَ يَا غَايَةَ

مالک آمد و توانا، و توانا است و قاهر و نافرمانی شد ولی پوشاند و آمرزشش خواهند و آمرزد ای کمال مطلوب

الطَّالِبِينَ الرَّاعِبِينَ وَمُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ

جویندگان مشتاق و منتهای آرزوی امیدواران ای که دانشش بهر چیز احاطه دارد

عِلْمًا وَوَسِعَ الْمُسْتَقِيلِينَ رَافَهُ وَرَحْمَةً وَحِلْمًا اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ

و رافت و مهر و بردباریش توبه جوین را فرا گرفته خدایا ما رو به درگاه تو آوریم

فِي هَذِهِ الْعَشِيَةِ الَّتِي شَرَّفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ

در این شبی که آنرا شرافت و بزرگی دادی بوسیله محمد پیامبرت و فرستاده ات

وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السِّرَاجِ

و برگزیده ات از آفریدگان و امین تو بر وحیت آن مژده دهنده و ترساننده و آن چراغ

النُّورِ الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ

تابناک آنکه بوسیله اش بر مسلمانان نعمت بخشیدی و رحمت عالمیان قرارش دادی

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِدَلِيلِكَ مِنْكَ يَا

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد چنانچه محمد نزد تو شایسته آنست ای خدای

عَظِيمٍ فَصِّلْ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ الْمُتَجَبِّينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

بزرگ پس درود فرست بر او و بر آل برگزیده پاک و پاکیزه اش

أَجْمَعِينَ وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا فَإِلَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُنُوفِ

همگی و بیوشان ما را به گذشت خود زیرا صداها با انواع مختلف

اللُّغَاتِ فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيِّهِ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ

لغتهاشان (و هرکس به زبانی ناله اش ) بسوی تو بلند است پس ای خدا برای ما قرار ده در این شام بهره ای از هر خیری که

بَيْنَ عِبَادِكَ وَنُورٍ تَهْدِي بِهِ وَرَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا وَبِرَكَةٍ تُنَزِّلُهَا وَعَافِيَةٍ

میان بندگانت تقسیم فرمایی و نوری که بدان هدایت فرمایی و رحمتی که بگستری آنرا و برکتی که نازلش کنی و عافیتی

تُجَلِّلُهَا وَرِزْقٍ تَبْسُطُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ أَقْلِبْنَا فِي هَذَا

که بیوشانی و روزی و رزقی که پهن کنی ای مهربانترین مهربانان خدایا برگردان ما را در این

الْوَقْتِ مُنْجِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ

هنگام پیروزمند و رستگار و پذیرفته و بهره مند و از ناامیدان قرارمان مده و از

الْقَانِطِينَ وَلَا تُخَلِّبْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تُحَرِّمْنَا مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ

رحمتت دست خالیمان مفرما و محرومان مکن از آنچه از فضل تو آرزومندیم

وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ وَلَا لِفَضْلِ مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطَائِكَ

و جزء محرومان رحمتت قرارمان مده و نه ناامیدمان کن از آن زیادی عطایت که

قَانِطِينَ وَلَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ يَا أَجُودَ

آرزومندیم و ناکام بازمان مگردان و از درگاهت مطرود و رانده مان مکن ای بخشنده ترین

الْأَجُودِينَ وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ

بخشندگان و کریمترین کریمان ما با یقین به درگاه تو رو آوردیم و به آهنگ (زیارت) خانه محترم تو (کعبه بدینجا)

أَمِينَ قاصِدِينَ فَأَعِنَّا عَلَى مَنَاسِكِنَا وَأَكْمِلْ لَنَا حَجَّنَا وَاعْفُ عَنَّا

آمدیم پس کمک ده ما را بر انجام مناسک حج و حجهمان را کامل گردان و از ما درگذر

وَعَافِنَا فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِينَ فَهِيَ بِذَلِكَ الْإِعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ اللَّهُمَّ

و تندرستان دار زیرا که ما بسوی تو دو دست (نیاز) دراز کرده ایم و آن دستها چنان است که به خواری اعتراف به گناه نشاندار شده خدایا

فَاعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ وَأَكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ فَلَا كَافِيَ لَنَا

در این شام به ما عطا کن آنچه کن از تو خواسته ایم و کفایت کن از ما آنچه را از تو کفایت آنرا خواستیم زیرا کفایت کننده ای

سِوَاكَ وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ نَافِذُ فِينَا حُكْمِكَ مُحِيطٌ بِمَا عَلِمْتَ عَدْلُ

جز تو نداریم و پروردگاری غیر از تو برای ما نیست تویی که فرمانت درباره ما نافذ و دانشت به ما احاطه دارد

فِينَا قِضَاؤُكَ إِقْضِ لَنَا الْخَيْرَ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا

و حکمی که درباره ما فرمایی از روی عدالت است خدایا خیر و نیکی برای ما مقرر کن و از اهل خیر قرارمان ده خدایا واجب گردان برای ما

بُجُودِكَ عَظِيمِ الْأَجْرِ وَكَرِيمِ الذُّخْرِ وَدَوَامِ الْيُسْرِ وَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا

از آن جودی که داری پاداشی بزرگ و ذخیره ای گرامی و آسایشی همیشگی و بیامرز گناهان ما را

أَجْمَعِينَ وَلَا تَهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ وَلَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ

همگی و در زمره هلاک شدگان بدست هلاکتمان مسپار و مهر و راءفتت را از ما باز مگردان

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ

ای مهربانترین مهربانان خدایا قرارمان ده در این وقت از آن کسانی که از تو درخواست کرده و بدیشان عطا فرموده ای

وَشَكَرَكَ فَرَدْتَهُ وَتَابَ إِلَيْكَ فَاقْبَلْتَهُ وَتَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا

و شکر تو را بجا آورده و تو نعمتت را بر آنها افزون کرده و بسویت بازگشته و تو پذیرفته ای و از گناهان بسوی

فَعَفَرْتَهَا لَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ وَنَقِّنَا وَسَدِّدْنَا وَاقْبَلْ

تو بیرون آمده و تو همه را آمرزیده ای ، ای صاحب جلال و بزرگواری خدایا ما را پاکیزه و (در دین ) محکمان گردان

تَضَرُّعًا يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ يَا مَنْ لَا يَنْفِي

وتضرع و زاریمان بپذیر ای بهترین کسی که از او درخواست شود وای مهربانترین کسی که از او مهر خواهند ای که بر او پوشیده نیست

عَلَيْهِ إِغْمَاضُ الْجُفُونِ وَلَا لِحْظُ الْعُيُونِ وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكُونِ

بهم نهادن پلکهای چشم و نه بر هم خوردن دیدگان و نه آنچه در مکنون ضمیر مستقر گردیده

وَلَا مَا انْطَوَّتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ الْأَكْلُ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ

و نه آنچه در پرده دلها نهفته است آری تمام آنها را

عِلْمُكَ وَوَسْعُهُ حِلْمُكَ سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوءًا

دانش تو شماره کرده و بردباریت همه را در بر گرفته است منزهی تو و برتری از آنچه ستمکاران گویند برتری

كَبِيرِ الْأُسْبُحِ لَكَ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ

بسیاری ، تنزیه کنند تو را آسمانهای هفتگانه و زمینها و هر که در آنها است و چیزی نیست

شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ فَذَكَرَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّي إِذَا الْجَلَالِ

جز آنکه به ستایش تو تسبیح کند پس تو را است ستایش و بزرگواری و بلندی رتبه ، ای صاحب جلال

وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ وَأَنْتَ الْجَوَادُ

و بزرگواری و فضل و نعمت بخشی و موهبتهای بزرگ و تویی بخشنده

الْكَرِيمِ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ

بزرگوار رؤوف و مهربان خدایا فراخ گردان بر من از روزی حلال خود

وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي وَأَمِنْ خَوْفِي وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

و عافیتم بخش در تن و هم در دینم و ترسم را امان بخش و از آتش دوزخ آزادم کن

اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي وَلَا تَحْدَعْ عَنِّي وَادْرَأْ عَنِّي شَرًّا

خدایا مرا به مکر خود دچار مساز و در غفلت تدریجی بسوی نابودی مبر و فریبم مده و شر

فَسَقَهُ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ

تبهکاران جن و انس را از من دور کن پس سر و دیده خود را بسوی آسمان بلند کرد و از دیده های مبارکش آب می ریخت مانند دو مشک و صدای بلند گفت :

يَا سَمِعَ السَّامِعِينَ يَا أَيُّ شُنُوءَاتِهِمْ شُنُوءَاتِهِمْ

أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَيَّ

بیناترین بینایان و ای سریعترین حساب رسان و ای مهربانترین مهربانان درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمِيَامِينَ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ

محمد و آل محمد آن آقایان فرخنده و از تو ای خدا درخواست کنم حاجتم را که اگر آنرا به من

أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يُضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا

عطا کنی دیگر هرچه را از من دریغ کنی زیانم نزند و اگر آنرا از من دریغ داری دیگر سودم ندهد هرچه

أَعْطَيْتَنِي أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ لِإِلَهِ الْإِنْتِ وَحَدَّكَ لِشَرِيكَ

به من عطا کنی و آن این است که از تو خواهم مرا از آتش دوزخ آزاد گردانی معبودی جز تو نیست یگانه ای که

لَكَ لَكَ الْمَلِكُ وَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

شریک نداری از تو است فرمانروایی و از تو است ستایش و تویی که بر هر چیز توانایی ای پروردگار ای پروردگار

پس مکرر می گفت یارب و کسانی که دور آن حضرت بودند تمام گوش داده بودند به دعاء آن حضرت واکتفا کرده بودند به آمین گفتن پس صداهایشان

بلند

شد به گریستن با آن حضرت تا غروب کرد آفتاب وبارکردند و روانه جانب مشعرالحرام شدند مؤلف گوید که کفعمی دعاء عرفه امام

حسین (ع) را در بلدالامین تا اینجا نقل فرموده و علامه مجلسی در زاد المعاد این دعای شریف را موافق روایت کفعمی ایراد نموده و لکن سید بن طاووس در

اقبال بعد از یا رَبِّ يَا رَبِّ

إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا

این زیادتی را ذکر فرموده: \* \* \* \* \* خدا من چنانم که در حال توانگری هم فقیرم پس چگونه فقیر نباشم



فِي فَقْرِي إِلَهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهُولًا فِي

در حال تهیدستیم خدایا من نادانم در عین دانشمندی پس چگونه نادان نباشم در عین

جَهْلِي إِلَهِي إِنَّ اخْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ وَسُرْعَةَ طَوَّاءِ مَقَادِيرِكَ مَنَعَا

نادانی خدایا برآستی اختلاف تدبیر تو و سرعت تحول و پیچیدن در تقدیرات تو جلوگیری کنند

عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنِ السُّكُونِ إِلَى عَطَاءٍ وَالْيَأْسِ مِنْكَ فِي بَلَاءٍ

از بندگان عارف تو که به عطایت دل آرام و مطمئن باشند و در بلای تو مایوس و ناامید شوند

إِلَهِي مِنِّي مَا يَلِيقُ بِلُؤْمِي وَمِنْكَ مَا يَلِيقُ بِكَرَمِكَ إِلَهِي وَصَفَتْ

خدایا از من همان سرزند که شایسته پستی من است و از تو انتظار رود آنچه شایسته بزرگواری تو است خدایا تو

نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّاءِ فِيهِ لِي قَبْلَ وُجُودِ ضَعْفِي أَقْتَمْنَعْنِي مِنْهُمَا بَعْدَ

خود را به لطف و مهر به من توصیف فرمودی پیش از آنکه ناتوان باشم آیا پس از ناتوانیم لطف و مهرت را از من

وُجُودِ ضَعْفِي إِلَهِي إِنْ ظَهَرَتْ الْحَاسِنُ مِنِّي فَبِفَضْلِكَ وَلَكَ الْمِنَّةُ

دریغ می داری خدایا اگر کارهای نیک از من سرزند به فضل تو بستگی دارد و تو را منتی است بر من

عَلَى وَإِنْ ظَهَرَتْ الْمَسَاوِي مِنِّي فَبِعَدْلِكَ وَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَى إِلَهِي

و اگر کارهای بد از من روی دهد آن هم بستگی به عدل تو دارد و تو را بر من حجت است خدایا

كَيْفَ تَكْنِي وَقَدْ تَكْفَلْتِ لِي وَكَيْفَ أَضَامُ وَأَنْتَ النَّاصِرُ لِي أَمْ كَيْفَ

چگونه مرا وامی گذاری در صورتی که کفایتیم کردی و چگونه مورد ستم واقع گردم با اینکه تو یاور منی یا چگونه

أَخِيْبُ وَأَنْتَ الْحَيُّ بِي هَا أَنَا تَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ وَكَيْفَ

ناامید کردم در صورتی که تو نسبت به من مهربانی هم اکنون به درگاه تو توسل جویم بوسیله آن نیازی که به درگاهت دارم و چگونه

تَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌ أَنْ يَضِلَّ إِلَيْكَ أَمْ كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي

توسل جویم بوسیله فقری که محال است پیرامون تو راه یابد یا چگونه از حال خویش به درگاهت شکوه کنم با اینکه حال

وَهُوَ لَا يَنْفِي عَنِّي أَمْ كَيْفَ أُتْرَجِمُ بِمَقَالِي وَهُوَ مِنْكَ بَرَزُ إِلَيْكَ أَمْ

من بر تو پنهان نیست یا چگونه با زبان (قال) ترجمه حال خود کنم در صورتی که آنهم از پیش تو بروز کرده به نزد خودت یا

كَيْفَ تُحِبُّ أَمَالِي وَهِيَ قَدْ وَفَدَتْ إِلَيْكَ أَمْ كَيْفَ لَا تُحَسِّنُ أَحْوَالِي

چگونه آرزوهایم به نومیدی گراید با اینکه به آستان تو وارد شده یا چگونه احوالم را نیکو کنی

وَبِكَ قَامَتْ إلهي مَا الْطَفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي وَمَا أَرْحَمَكَ بِي مَعَ

با اینکه احوال من به تو قائم است خدایا چه اندازه به من لطف داری با این نادانی عظیم من و چقدر به من مهر داری

قَبِيحِ فَعَلِي إلهي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي وَأَبْعَدَنِي عَنكَ وَمَا أَرَأَيْكَ بِي فَمَا

با این کردار زشت من خدایا چقدر تو به من نزدیکی و در مقابل چقدر من از تو دورم و با اینهمه که تو نسبت به من مهربانی

الَّذِي يُجِبُّنِي عَنكَ إلهي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْأَثَارِ وَتَنَقُّلَاتِ

پس آن چیست که مرا از تو محبوب دارد خدایا آن طوری که من از روی اختلاف آثار و تغییر و تحول

الْأَطْوَارِ أَنْ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ

اطوار بدست آورده ام مقصود تو از من آنست که خود را در هر چیزی (جداگانه) به من بشناسانی تا من

فِي شَيْءٍ إِلَهِي كُلَّمَا أَخْرَسَنِي لِوَمِي أَنْطَقَنِي كَرَمُكَ وَكُلَّمَا أَيْسَتَنِي

در هیچ چیزی نسبت به تو جاهل نباشم خدایا هر اندازه پستی من زبانم را لال می کند کرم تو آنرا گویا می کند و هر اندازه

أَوْ صَافِي أطمعتني مِنْكَ إِلَهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي فَكَيْفَ

اوصاف من مرا مایوس می کند نعمتهای تو به طمع اندازد خدایا آنکس که کارهای خوبش کار بد باشد

لَا تَكُونُ مَسَاوِيهِ مَسَاوِي وَمَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي فَكَيْفَ لَا

پس چگونه کار بدش بد نباشد و آنکس که حقیقت گویی هایش ادعایی بیش نباشد پس چگونه

تَكُونُ دَعَاوِيهِ دَعَاوِي إِلَهِي حُكْمُكَ النَّافِذُ وَمَشِيَّتُكَ الْقَاهِرَةُ لَمْ

ادعایش ادعا نباشد خدایا فرمان نافذت و مشیت قاهرت برای هیچ گوینده ای فرصت

يَتْرُكَ لِذِي مَقَالٍ مَقَالًا وَلَا لِذِي حَالٍ حَالًا إِلَهِي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَدَيْتُهَا

گفتار نگذارد و برای هیچ صاحب حالی حس و حال به جای نهد خدایا چه بسیار طاعتی که (پیش خود) پایه گذاری کردم

وَحَالِهِ شَيْدَتْهَا هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَدْلُكَ بَلْ أَقَالَنِي مِنْهَا فَضْلُكَ

و چه بسیار حالتی که بنیادش کردم ولی (یاد) عدل تو اعتمادی را که بر آنها داشتم یکسره فروریخت بلکه فضل تو نیز اعتمادم را بهم زد

إِلَهِي إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي وَإِنْ لَمْ تَدُمْ الطَّاعَةَ مِنِّي فِعْلًا جَزْمًا فَقَدْ دَامَتْ

خدایا تو می دانی که اگر چه طاعت تو در من بصورت کاری مثبت ادامه ندارد ولی

مَحَبَّةٌ وَعَزْمًا إِلَهِي كَيْفَ أَعَزِمُ وَأَنْتَ الْقَاهِرُ وَكَيْفَ لَا أَعَزِمُ وَأَنْتَ

دوستی و تصمیم بر انجام آن در من ادامه دارد خدایا چگونه تصمیم گیرم در صورتی که تحت قهر توام و چگونه تصمیم نگیرم با اینکه

الامرُ الهی ترُددی فی الآثارِ یوجبُ بعدَ المزارِ فاجمعنی علیکَ

تو دستورم دهی خدایا تفکر (یا گردش) من در آثار تو راه مرا به دیدارت دور سازد پس کردار مرا با خودت

بخدمهٔ تو وصلنی ایلیکَ کیفِ یستدلُّ علیکَ بما هو فی وجودهٔ مفتقرٌ

بوسیله خدمتی که مرا به تو برساند چگونه استدلال شود بر وجود تو به چیزی که خود آن موجود در هستیش نیازمند

الیکَ ایكونُ لِغیرکَ مِنَ الظُّهورِ ما لیسَ لکَ حَتّٰی یكونَ هُوَ المَظهِرَ

به تو است و آیا اساساً برای ما سواى تو ظهوری هست که در تو نباشد تا آن وسیله ظهور تو

لکَ متی غبتَ حَتّٰی تحتاجُ الی دَلیلٍ یَدُلُّ علیکَ وَمتی بَعُدتَ حَتّٰی

گردد تو کی پنهان شده ای تا محتاج بدلیلی باشیم که به تو راهنمایی کند و چه وقت دور مانده ای تا

تُكونَ الآثارُ هِیَ الَّتِی تُوصِلُ الِیْکَ عَمِیتَ عَینٍ لا تَرَاکَ عَلَیْهَا

آثار تو ما را به تو واصل گرداند کور باد آن چشمی که تو را نبیند که مراقب

رَقِیْباً وَخَسِرَتَ صَفْقَهُ عَبدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّکَ نَصِیباً الهی اَمَرَتَ

او هستی و زیان کار باد سودای آن بنده که از محبت خویش به او بهره ای ندادی خدایا فرمان دادی

بِالرُّجُوعِ الِیْ الآثارِ فَارْجِعْ الِیْکَ بِکِسْوَةِ الانوارِ وَهَدِیْهِ

که به آثار تو رجوع کنم پس بازم گردان بسوی خود (پس از مراجعه به آثار) به پوششی از انوار و راهنمایی

الِاسْتِیْصَارِ حَتّٰی ارْجِعَ الِیْکَ مِنْهَا کَمَا دَخَلْتُ الِیْکَ مِنْهَا مَصُونٍ

و از بینش جوئی تا بازگردم بسویت پس از دیدن آثار هم چنانکه آمدم بسویت از آنها که نهادم

السِّرِّ عَنِ النَّظْرِ إِلَيْهَا وَمَرْفُوعِ الْإِعْتِمَادِ عَلَيْهَا إِنَّكَ عَلَى

از نظر به آنها مصون مانده و همتم را از اعتماد بدانها برداشته باشم که برآستی تو بر هر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَلْهِى هَذَا ذُلِّى ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَهَذَا حَالِى لَا يَخْفَى

چیز توانائی خدایا این خواری من است که پیش رویت عیان و آشکار است و این حال (تباه) من است

عَلَيْكَ مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ فَاهْدِنِى

که بر تو پوشیده نیست از تو خواهم که مرا به خود برسانی و بوسیله ذات تو بر تو دلیل می جویم

بُنُورِكَ إِلَيْكَ وَاقْمِنِى بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ اَلْهِى عَلِمْنِى مِنْ

پس به نور خود مرا بر ذات راهنمائی فرما و به یادار مرا با بندگی صادقانه در پیش رویت خدایا بیاموز به من

عِلْمِكَ الْخَزُونِ وَصُنِّى لِسِتْرِكَ الْمَصُونِ اَلْهِى حَقِّقْنِى بِحَقَائِقِ اَهْلِ

از دانش مخزونت و محفوظم دار به پرده مصونت خدایا مرا به حقائق نزدیکان درگاہت

الْقُرْبِ وَاسْلُكْ بى مَسَلِكِ اَهْلِ الْجَذْبِ اَلْهِى اَغْنِنِى بِتَدْبِيرِكَ لى

بیارای و به راه اهل جذبه و شوقت ببر خدایا بى نیاز کن مرا به تدبیر خودت در باره

اَمَعْنِ تَدْبِيرِى وَبِاخْتِيَارِكَ عَنِ اخْتِيَارِى وَاَوْقِنِى عَلَى مَرَاكِزِ

از تدبیر خودم و به اختیار خودت از اختیار خودم و بر جاهای

اضْطِرَارِى اَلْهِى اَخْرِجْنِى مِنْ ذُلِّ نَفْسِى وَطَهِّرْنِى مِنْ شَكِّى

بیچارگی و درماندگیم مرا واقف گردان خدایا مرا از خواری نفسم نجات ده و پاکم کن از شک

وَشِرْكِي قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي بِكَ أَنْتَصِرُ فَانْصُرْنِي وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ فَلَا

و شرک خودم پیش از آنکه داخل گورم کردم به تو یاری جویم پس تو هم یاریم کن و بر تو توکل کنم پس

تَكِلْنِي وَإِيَّاكَ أَسْأَلُ فَلَا تُحَيِّبْنِي وَفِي فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلَا تَحْرِمْنِي

مرا وامگذار و از تو درخواست کنم پس ناامیدم مگردان و در فضل تو رغبت کرده ام پس محرومم مفرما

وَبِحَبَابِكَ أَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنِي وَبِبَابِكَ أَهْفُ فَلَا تَطْرُدْنِي إِلَهِي

و به حضرت تو خود را بسته ام پس دورم مکن و به درگاه تو ایستاده ام پس طردم مکن خدایا

تَقْدَسَ رِضَاكَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عَلَيْهِ مِنْكَ فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عَلَيْهِ مِنِّي

مبراً است خوشنودی تو از اینکه علت و سببی از جانب تو داشته باشد پس چگونه ممکن است من سبب آن گردم

إِلَهِي أَنْتَ الْغَنِيُّ بِذَاتِكَ أَنْ يَضِلَّ إِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ فَكَيْفَ لَا تَكُونُ

خدایا تو به ذات خود بی نیازی از اینکه سودی از جانب خودت به تو برسد پس چگونه از من بی نیاز نباشی

غَنِيًّا عَنِّي إِلَهِي إِنَّ الْقَضَاءَ وَالْقَدْرَ يُمَيِّنِي وَإِنَّ الْهَوَىٰ بِوَثَائِقِ

خدایا براستی قضا و قدر مرا آرزومند می کنند و از آن سو هوای نفس مرا به بندهای

الشَّهْوَةِ أَسْرَنِي فَكُنْ أَنْتَ النَّصِيرَ لِي حَتَّى تَنْصُرَنِي وَتُبَصِّرَنِي

شهوت اسیر کرده پس تو یاور من باش تا پیروزم کنی و بینایم کنی

وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَسْتَعِينِي بِكَ عَنِ طَلْبِي أَنْتَ الَّذِي أَسْرَقْتَ

و بوسیله فضل خویش بی نیازم گردانی تا بوسیله تو از طلب کردن بی نیاز شوم توئی که تاباندی

الانوار فی قلوب اولیائک حتی عرفوک و وحدوک وانت الذی

انوار (معرفت) را در دل اولیائت تا اینکه تو را شناختند و یگانه ات دانستند و توئی که

ازلت الاغیار عن قلوب احبائک حتی لم یحبوا سواک ولم یلجئوا

اغیار و بیگانگان را از دل دوستانت براندی تا اینکه کسی را جز تو دوست نداشته و به غیر تو پناهنده و ملتجی

الی غیرک انت المونس لهم حیث اوحشتهم العوالم وانت الذی

نشوند و توئی مونس ایشان در آنجا که عوالم وجود آنها را به وحشت اندازد و توئی که

هدیتهم حیث استبانت لهم المعالم ماذا وجد من فقدک وما الذی

راهنمایشان کنی آنگاه که نشانه ها برایشان آشکار گردد چه دارد آنکس که تو را گم کرده؟ و چه ندارد

فقد من وجدک لقد خاب من رضی دونک بدلاً ولقد خسر من بغی

آنکس که تو را یافته است براستی محروم است آنکس که بجای تو بدیگری راضی شود و بطور حتم زیانکار است کسی که

عنک متحولاً کیف یرجی سواک وانت ما قطعت الاحسان و کیف

از تو به دیگری روی کند چسان می شود بغیر تو امیدوار بود در صورتی که تو احسانت را قطع نکردی و چگونه

یطلب من غیرک وانت ما بدلت عادة الامتنان یا من اذاق احبائه

از غیر تو می توان طلب کرد با اینکه تو تغییر نداده ای شیوه عطابخشیت را ای خدائی که به دوستانت

حلاوه المؤمنه فقاموا بین یدیه متملقین و یا من البس اولیائه

شیرینی همدمی خود را چشاندی و آنها در برابرت به چاپلوسی برخاستند و ای خدائی که پوشاندی بر اولیاء خودت

مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ

خلعتهای هیبت خود را پس آنها در برابرت به آمرزش خواهی بپاخواستند توئی که یاد کنی پیش از آنکه

الذَّاكِرِينَ وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ وَأَنْتَ

یاد کنندگان یادت کنند و توئی آغازنده به احسان قبل از آنکه پرستش کنندگان بسویت توجه کنند و توئی

الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلْبِ الطَّالِبِينَ وَأَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا

بخشنده عطا پیش از آنکه خواهندگان از تو خواهند و توئی پربخشش و سپس همان را که به ما بخشیده ای از ما

مِنَ الْمُسْتَقْرِضِينَ إِلَهِي أَطْلُبُنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ

به قرض می خواهی خدایا مرا بوسیله رحمتت بطلب تا من به نعمت وصال نائل گردم

وَاجْذِبْنِي بِمَنِّكَ حَتَّى أَقْبَلَ عَلَيْكَ إِلَهِي إِنَّ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ

و بوسیله نعمتت مرا جذب کن تا به تو رو کنم خدایا برامتی امید من از تو قطع نگردد و اگرچه

وَإِنْ عَصَيْتُكَ كَمَا أَنَّ خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ فَقَدْ دَفَعْتَنِي

نافرمانیت کنم چنانکه ترسم و از تو زائل نشود و گرچه فرمانت برم همانا جهانیان مرا بسوی تو رانده اند

الْعَوَالِمُ إِلَيْكَ وَقَدْ أَوْعَنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيَّ إِلَهِي كَيْفَ أَخِيبُ

و آن علمی که به کرم تو دارم مرا به درگاه تو آورده خدایا چگونه نومید شوم

وَأَنْتَ أَمَلِي أَمْ كَيْفَ أَهَانُ وَعَلَيْكَ مُتَّكِلِي إِلَهِي كَيْفَ أَسْتَعِزُّ وَفِي

و تو آرزوی منی و چگونه پست و خوار شوم با اینکه اعتمادم بر تو است خدایا چگونه عزت جویم با اینکه در



الذِّلَّةِ اِرْكَزْتَنِي اَمْكِيْفَ لَا اَسْتَعِزُّ وَاِلَيْكَ نَسَبْتَنِي اِلٰهِيْ كَيْفَ لَا اَفْتَقِرُّ

خواری جایم دادی و چگونه عزت نجویم با اینکه به خود مُتَسَبِّمِ کردی خدایا چگونه نیازمند نباشم

وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ اَقَمْتَنِي اَمْ كَيْفَ اَفْتَقِرُّ وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ

با اینکه تو در نیازمندانم جای دادی یا چگونه نیازمند باشم و توئی که به جود و بخششت

اَغْنَيْتَنِي وَأَنْتَ الَّذِي لَا اِلٰهَ غَيْرُكَ تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ فَمَا جَهْلَكَ

بی نیازم کردی و توئی که معبودی جز تو نیست شناساندی خود را به هر چیزی و هیچ چیزی نیست که تو را نشناسد

شَيْءٍ وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ اِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ فَرَأَيْتَكَ ظَاهِرًا فِي

و توئی که شناساندی خود را به من در هر چیز و من تو را آشکار در

كُلِّ شَيْءٍ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَانِيَّتِهِ فَصَارَ

هر چیز دیدم و توئی آشکار بر هر چیز ای که بوسیله مقام رحمانیت خود (بر همه چیز) احاطه کردی

العَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ مَحَقَّتْ الاَثَارُ بِالْاَثَارِ وَمَحَوَّتْ الْاَغْيَارَ

و عرش در ذاتش پنهان شد توئی که آثار را به آثار نابود کردی و اغیار را

مُحِيْطَاتِ اَفْلَاكِ الْاَنْوَارِ يَا مَنْ اِحْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنِ

به احاطه کننده های افلاک انوار محو کردی ای که در سراپرده های عرشش محتجب شد

اَنْ تُدْرِكَهُ الْاَبْصَارُ يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ [مِنْ]

از اینکه دیده ها او را درک کنند ای که تجلی کردی به کمال زیبایی و نورانیت و پابرجا شد عظمتش از

# الِاسْتِوَاءَ كَيْفَ تَرْنَفِي وَانْتَ الظَّاهِرُ امْ كَيْفَ تَغِيْبُ وَانْتَ الرَّقِيْبُ

استواری چگونه پنهان شوی با اینکه تو آشکاری یا چگونه غایب شوی که تو نگهبان

الحاضِر انك على كلشي ء قدير و الحمد لله وحده